

نظریه انسداد در اندیشه معرفتی شیعه؛ درآمدی به عرفی سازی نظام حقوقی دینی

(مقاله علمی-پژوهشی)

سید مصطفی محقق داماد*

علی ولایی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

چکیده

رویکرد حاکم بر معرفت‌شناسی اصولی، با توجه به حجیت ذاتی قطع، مبنایابی است. در اندیشه معرفتی شیعه، اصل عدم حجیت ظنون مشهور است و بطلان نظریه انسداد بدیهی انگاشته می‌شود. در فرض انسداد باب علم و علمی، عقل به کفایت امتثال ظنی حکم می‌کند و با حجیت ذاتی ظن، اصل ثانوی بر حجیت ظن استقرار می‌یابد. بنابراین نهی از قیاس، خلاف اصل است و مدعی خصوصیت حجیت اخبار به عنوان ظن خاص، باید دلیل بیاورد. اما در نهایت تقابل تاریخی اخباری‌گری با انسدادگرایی، به انسداد باب علم و افتتاح باب علمی ختم گردید و ثمرات نظریه انسداد مغفول واقع شد. انسداد با بهره‌گیری از سیره عقلا، ظن عقلانی و تراکم ظنون در پی گفتمانی عرفی و عقلایی خواهد بود؛ به ظنون عقلی به عنوان دلیل، موهین، جابر یا مؤید اعتبار می‌بخشد و در انتساب احکام استنباط‌شده به شارع، تردید ایجاد می‌کند. بر اساس این مبانی معرفتی و رویکرد اجتهادی که موجب کاهش ناکارآمدی و عدم انسجام در احکام فقهی می‌شود، فتاوی فقهی با حقوق مدرن نیز سازگارتر خواهد شد و عرفی‌سازی نظام حقوقی به لحاظ قانون‌گذاری و قضاوت تسهیل می‌گردد. هدف این پژوهش، واکاوی اندیشه معرفتی شیعه و تبیین جایگاه نظریه مهجور واقع‌شده انسداد و ثمرات آن برای نظام حقوقی در یک جامعه دین‌گرا است.

کلیدواژگان:

انسداد باب علم و علمی، حجیت ظن مطلق، حکم شرعی، مبنایابی معرفتی، نظام حقوقی عرفی.

* استاد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

mdamad@me.com

** دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

alivelaei@gmail.com

مقدمه

انفتاح باب علم، انسداد باب علم و علمی، انسداد باب علم و انفتاح باب علمی سه نظریه مطرح در خصوص دسترسی به علم در اندیشه شیعی است. اخباریان و پیش از آنها، علمایی چون صدوق و سیدمرتضی، با وجود فاصله با زمان حضور معصوم، ادعای انفتاح باب علم نموده‌اند؛ در حالی که در زمان حضور ائمه نیز برای اکثر مردم و شاید کل آنها، ادله یقینی برای تمام فروع وجود نداشته است و ائمه مردم را به ظنونی چون خبر ثقه ارجاع می‌دادند.^۱ بنابراین انسداد باب علم و حجیت ظن مختص عصر غیبت نیست، بلکه متوقف بر تحقق مقدمات انسداد است^۲ و سرآغاز انفتاح باب اجتهاد بر اساس ظنون محسوب می‌شود.

فاصله زمانی تا عصر نزول و عدم دسترسی به صاحب شریعت، تحصیل علم را ناممکن می‌سازد و با توجه به نامحدود بودن وقایع روزمره در زندگی انسان‌ها و جلوگیری از حرج و اختلال نظام، چاره‌ای جز حجیت ظن وجود ندارد که مستند اغلب احکام فقهی است.^۳ اساساً فهم عدم قطعیت و انسداد باب علم بود که اصولی‌گری را در برابر اخباریان موجه ساخت و راهی جز تمایل به ظن باقی نگذاشت.^۴ بدین ترتیب، صاحب معالم و میرزای قمی اعتبار ظن در نگاه نخستین^۵ را مطرح کرده‌اند.^۶ وحید بهبهانی بر آن است که فقه‌ها در استنباط احکام به هر ظن و رجحانی اتکا می‌کنند (مگر مواردی چون قیاس)، بدون آنکه مأخذ حجیت آن را ذکر کنند. آنها با وجود علم، به سراغ ظن و با وجود ظن قوی‌تر سراغ ظن ضعیف‌تر نمی‌روند. در حقیقت کنار گذاشتن ظن به معنای کنار گذاشتن شرع است و حتی منکرین حجیت ظن مجتهد هم متکی به

۱. خراسانی، محمدکاظم، *دررالفوائد*، تهران: مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰، ص ۶۷؛ انصاری، مرتضی، *فرائدالاصول*، جلد ۱، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۳۷، ص ۳۲۵.

۲. آشتیانی، محمدحسن، *بحرالفوائد*، جلد ۱، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۹، ص ۲۹۹؛ برخی با توجه به صعوبت دسترسی به ائمه و جمع‌آوری روایات، انسداد را در دوران حضور محتمل‌تر می‌دانند. (بروجردی، سیدحسین، *نهایه‌الاصول*، تقریرات منتظری، حسینعلی، قم: نشر تفکر، ۱۴۱۵، ص ۵۵۵).

۳. خمینی، سیدروح‌الله، *تنقیح‌الاصول*، تقریرات اشتیاردی، حسین، جلد ۳، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ ص ۸۸؛ وحیدبهبهانی، محمدباقر، *الفوائدالحائریه*، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵، صص ۹۳ و ۱۳۶-۱۳۹.

4. Zysow Aron, *The Economy of Certainty: An Introduction to the Typology of Islamic Legal Theory*, p.290.

5. prima facie validity

6. Bhojani Alireza, *Moral Rationalism and Shari'a*, p.139.

ظن هستند، اگرچه به ظاهر آن را رد می‌کنند.^۱ با رویکردی میناگرا، در فقه باید به علم عمل کرد، اما بدون تردید علم حاصل می‌شود که اکثر احکام شرعی معلوم نیست.^۲ پس وظیفه مجتهد بررسی منابع دارای حجیت برای کشف محتمل‌ترین حکم ظنی خواهد بود، نه دستیابی به حقیقت و قطعیت.^۳

عنصر اصلی تفکر اخباری، رد اجتهاد و پذیرش معرفت‌شناسی دوگانه میان علم و جهل بود.^۴ استرآبادی مخالف اجتهاد و بنای معرفت‌شناسی‌ای بود که از زمان علامه حلی و تحت تأثیر اهل سنت، مورد استفاده قرار گرفت و ظن مجتهد را هم معتبر می‌دانست.^۵ دیدگاه اخباریان مبتنی بر دو امر است: حرمت عمل به ظن، انفتاح باب علم و ادله قطعی. لذا فارق تفکر اخباری و اصولی را اجتهاد و عمل به ظن دانسته‌اند.^۶ در میان علمای امامیه، اصل عدم حجیت ظن مشهور است و تنها در خصوص خروج بعضی از ظنون یا مطلق ظنون از ذیل این اصل اولی و نیز حجیت ثانوی ظنون اختلاف نظر وجود دارد. برخی محققین تفاوت معرفت‌شناختی میان دو رویکرد اصولی و اخباری را لفظی تلقی می‌کنند؛ اخباریان مفهومی منعطف از علم ارائه می‌کنند، در حالی که مجتهدین در خصوص انواع متعددی از ظن بحث می‌کنند. در نتیجه اخباریان صرفاً ظن تغییرپذیر را با علم تغییرپذیر جابجا کرده‌اند.^۷

هدف این مقاله واکاوی حجیت مطلق ظن و مسلک انسداد در اندیشه شیعی است که از منظر غالب فقهای معاصر، بطلان آن بدیهی می‌باشد. بدین منظور، با روشی تحلیلی-انتقادی، انسداد در پرتو نظام معرفتی و سیر تاریخی اندیشه شیعی تحلیل می‌گردد و در نهایت عرفی‌سازی به عنوان آثار اجتهاد مبتنی بر آن در نظام حقوقی مستند به شریعت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. وحید بهبهانی، محمدباقر، *الرسائل الاصولیه*، قم: مؤسسه علامه المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۱۶، صص ۳۲۹-۳۳۳.

۲. مجاهد، سید محمد، *مفاتیح الاصول*، قم: آل‌البتیت، ۱۳۹۶، ص ۴۶۴.

3. Gleave Robert, *Inevitable Doubt: Two Theories of Shi'i Jurisprudence*, p.75.

4. Gleave Robert, *Scripturalist Islam; the History and Doctrines of the Akhbari Shi'i School*, p.30.

5. *Ibid.*, pp.4-7.

۶. استرآبادی، محمدامین، *الفوائد المدنیه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۴، صص ۱۸۰-۲۵۰. وی کتاب خود را «الفوائد المدنیه فی الرد علی من قال بالاجتهاد و التقليد ای اتباع الظن فی نفس الأحكام الإلهیه» می‌نامد.

7. Gleave Robert, *op. cit.*, pp.88 & 100.

۱. مبنای معرفتی در اندیشه شیعی

مبنای معرفتی به عنوان مهم‌ترین و باسابقه‌ترین نظریه در باب ساختار توجیه علم، باورها را با ساختاری هرمی و نگاهی خطی، به دو بخش بدیهی یا پایه^۱ و نظری یا مستنتج^۲ تقسیم می‌کند. باور بدیهی به خودی خود معلوم و موجه است و هر سلسله توجیه استنتاجی نیز به باورهای پایه‌ای ختم می‌شود. انسجام‌گرایی با پذیرش ساختاری شبکه‌ای و نگاهی کل‌گرایانه، همه باورها را در پناه ارتباط متقابل با یکدیگر قابل توجیه و شناخت دانسته، ساختاری یک‌طبقه یا بی‌طبقه برای توجیه و معرفت‌ترسیم می‌کند؛ به طوری که توجیه به کل دستگاه باور تعلق می‌گیرد.^۳

رویکرد حاکم بر معرفت‌شناسی اصولی، مبنای معرفتی در ساختار توجیه است. از میان شاخه‌های علوم اسلامی، در اعتقادات به عنوان پایه‌ای‌ترین معارف در مقایسه با اخلاق و فقه، ظن قابل قبول نیست.^۴ در فقه نیز قطع سنگ‌بنای معرفتی تلقی می‌شود که اعتبار از آن غیرقابل سلب است. همچنین ظن بماهو ظن معتبر نیست و حجیت آن به حجیت قطع وابستگی دارد. حتی در فرض انسداد باب علم و علمی هم به حکم عقلی قطعی بر حجیت مطلق ظن استناد می‌شود. البته دیدگاه فقهایی چون انصاری که عنایت ویژه‌ای به تجمیع قراین دارند، به انسجام‌محوری نزدیک می‌گردند.

از نظر اصولیان، طریقت و کاشفیت از واقع در قطع، ذاتی و انجعالی (غیرقابل جعل و رفع)^۵ می‌باشد. ولی در ظن خاص، به جعل شارع است و احتمال خلاف در ظن مانع از طریقت ذاتی آن می‌شود.^۶ فقها به دلیل قاعده «کل ما بالعرض لابد ان ینتهی الی ما بالذات»، در جستجوی امری بودند که حجیت ذاتی داشته باشد و سایر حجج جعلی بدان بازگردد و موجب تتمیم کشف

1. Basic Beliefs
2. Derived Beliefs

۳. فنایی، ابوالقاسم، *اخلاق دین‌شناسی*، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۶، ص ۳۵۷.

۴. در مورد اعتبار ظن در اعتقادات شش قول وجود دارد. (انصاری، مرتضی، پیشین، صص ۵۵۳-۵۵۵). انصاری با تفکیک اصول اعتقادی از فروع فقهی، خبر واحد و سایر ظنون را در اعتقادات نمی‌پذیرد (همان، صص ۲۷۲ و ۲۷۳)، اما خراسانی ظن را در اعتقادات مانند فروع حجیت می‌داند. (خراسانی، محمدکاظم، *دررالفوائد*، پیشین، ص ۶۶)

۵. نائینی، محمدحسین، *فوائد الاصول*، تقریرات کاظمی، محمدعلی، جلد ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴، ص ۶.

۶. عراقی، ضیاءالدین، *مقالات الاصول*، جلد ۲، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۰، ص ۱۳.

شود؛ از این رو حجیت ذاتی قطع در این رویکرد میناگرایانه مطرح شد. در نتیجه، استناد به ظن معتبر، استناد به قطعی است که موجب اعتبار ظن شده است و برای عدم حجیت ظن به دلیلی نیاز نداریم؛ بلکه صرف عدم حصول قطع به حجیت ظن، موجب قطع به عدم جواز استفاده از آن می‌شود.^۱ همچنین به دلیل تشریح، بدعت و افترا به خداوند،^۲ عمل به ظن حرام خواهد بود.^۳

در زمان محقق و علامه حلی حجیت ذاتی قطع آشکار نبود، اما بهیچانی در مقابل اخباریان به دنبال اثبات آن است و بعد از او در زمان انصاری این بحث منقح و امکان ردع آن توسط شارع انکار می‌گردد و قطع از هر طریقی معتبر تلقی می‌شود. دلیل مسلک اخباری بر عدم حجیت قطع حاصل از مقدمات عقلی نیز نفی حجیت ذاتی قطع و قاعده ملازمه است.^۴ در میان اصولیان، ملاک قطع است و فرقی میان مقدمات حاصل از عقل یا نقل وجود ندارد. اشکال اخباریان بر اصولیان آن است که علم در مرحله تنجز حجت نیست؛ بلکه شارع می‌تواند برخی از صور علم را به دلیل تقصیر قاطع یا طریقی نادرستش مانند قیاس رد کند. این تفاوت رویکرد در اهمیت طریقی را می‌توان به فراورده‌گرایی و فرایندگرایی در معرفت‌شناسی اصول تعبیر کرد. شایان توجه است که در مقابل حجیت ذاتی/عقلی قطع،^۵ حجیت اعتباری/عقلایی قطع^۶ و حجیت اعتباری/شرعی قطع^۷ نیز مطرح می‌شود. مخالفین حجیت ذاتی قطع معتقدند تنها علم حجیت ذاتی دارد؛ اما قطع حالتی نفسانی است که کاشفیت کامل از خارج را ندارد و ممکن است حالت جهل مرکب باشد.

۱. انصاری، مرتضی، *فرائد الاصول*، جلد ۲، پیشین، ص ۳۲۴.

۲. سوره یونس، آیه ۵۹.

۳. انصاری، مرتضی، *مطارح الانتظار*، تقریرات نوری تهرانی، ابوالقاسم، جلد ۳، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۳۸۳، ص ۷۶. البته عمل به ظنون غیرمعتبر از باب احتیاط و به امید درک واقع، مجاز و دارای ثواب انقیادی است و تنها از باب تدبیر که موجب تشریح می‌شود، حرام می‌باشد. (انصاری، مرتضی، *فرائد الاصول*، جلد ۱، پیشین، ص ۱۳۴).

۴. آشتیانی، محمدحسن، پیشین، ص ۱۰۸.

۵. خراسانی، محمدکاظم، *کفایه الاصول*، قم: آل‌البیت، ۱۴۰۹، ص ۲۵۷؛ خوبی، سیدابوالقاسم، *مصباح الاصول*، تقریرات بهسودی، سیدمحمدسرور، جلد ۲، قم: مکتبه الداوری، ۱۴۱۷، ص ۱۵.

۶. اصفهانی، محمدحسین، *نهایه الدراییه*، جلد ۲، قم: انتشارات سیدالشهدا، ۱۳۷۵، صص ۳۱-۳۶؛ طباطبایی، سیدمحمدحسین، *حاشیه الکفایه*، جلد ۲، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۷۷؛ خمینی، سیدروح‌الله، *تهذیب الاصول*، تقریرات سبحانی، جعفر، جلد ۲، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۳، ص ۲۹۳؛ سیستانی، سیدعلی، *الرافد فی علم الاصول*، تقریرات خباز، منیر، قم: لیتوگرافی حمید، ۱۴۳۷، ص ۱۳۱.

۷. صدر، سیدمحمدباقر، *مباحث الاصول*، تقریرات حائری، سیدکاظم، جلد ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۸، صص ۲۱۹-۲۲۱.

پس کاشفیت، ذاتی قطع است، نه کاشفیت از واقع.^۱

در مرحله بعد، حجیت ظن مطرح می‌شود. ظن خاص یا معتبر موردی است که از ذیل اصل اولی عدم حجیت خارج می‌شود و در مقابل ظن عام یا مطلق قرار دارد. ظن معتبر در حکم قطع و ظن نامعتبر در حکم شک است.^۲ البته عمل به ظن حرمت ذاتی ندارد و تنها به دلیل کثرت مخالفت با واقع منع شده است.^۳ استناد به ادله نقلی برای عدم حجیت ظن، به دلیل ظنی بودن ظواهر، خودشکن است و صدق آن مستلزم فقدان دلیل برای باور به خودش خواهد بود. پس اصل حرمت عمل به ظن مفید ظن بوده و عمل به این اصل مستلزم عدم عمل به آن است.^۴ بناء عقلا نیز صرفاً حاکی از ترجیح ظن قوی‌تر است و نهی شارع از عمل به ظنون عقلی قوی‌تر از ظنون نقلی، ترجیح مرجوح بر راجح و نهی او از عمل به ظنون عقلی معادل با ظنون نقلی، ترجیح بلامرّج محسوب می‌شود.^۵

تنها یا اصلی‌ترین دلیل برای حجیت مطلق ظنون، دلیل انسداد است. فقها اگر ظنون خاص را برای معظم فقه که تحصیل علم ممکن نیست، کافی ندانند و مقدمات انسداد را بپذیرند، از باب اجماع مرکب باید به اصل حجیت ظن ملتزم شوند.^۶ از نظر قمی، اصل در احکام فقهی و به خصوص در فرض انسداد، جواز عمل به ظن است تا موارد خلاف با دلیل از ذیل این اصل خارج شوند. در این رویکرد، حرمت عمل به ظن فاقد دلیل و عمومیت دانسته و آیات ناهی به اصول دین یا موارد تجسس اختصاص داده می‌شود.^۷ مشهور اصل حجیت ظن و برخی حجیت ظن در

۱. اصفهانی، مهدی، *معارف القرآن*، جلد ۱، قم: مؤسسه معارف اهل بیت (ع)، ۱۳۹۶، ص ۳۸۴؛ شاه‌منصوری، عباس، *معرفت‌شناسی در آثار میرزا مهدی اصفهانی*، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۸، صص ۱۵۷-۱۵۹. ر.ک.: سیستانی، سیدعلی، پیشین، صص ۳۱-۳۴ و ۱۳۱.
۲. انصاری مرتضی، *فرائد الاصول*، جلد ۱، پیشین، صص ۱۲۵ و ۳۷۳؛ انصاری، مرتضی، *الحاشیه علی استصحاب القوانین*، قم: مطبعه باقری، ۱۴۱۵، ص ۱۱۳.
۳. شیرازی، سیدمحمدحسن، *ذخیره فی دلیل الانسداد*، تقریرات خراسانی، محمدکاظم، سامراء: مرکز تراث سامراء، ۱۴۴۱، ص ۸۰.
۴. قمی، ابوالقاسم، *جامع الشتات*، جلد ۴، تهران: کیهان، ۱۳۷۱، ص ۳۲۶.
۵. حسن بن زین‌الدین، *معالم‌الدین*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا، ص ۱۹۲.
۶. مجاهد، سیدمحمد، پیشین، ص ۴۵۹.
۷. قمی، ابوالقاسم، *جامع الشتات*، جلد ۲، پیشین، ص ۴۸؛ *قوانین الاصول*، جلد ۱، ص ۴۴۰؛ جلد ۲، ص ۲۶۷؛ جلد ۳، ص ۱۸۱؛ حسن بن زین‌الدین، پیشین، ص ۱۹۵.

جمع احکام فرعی و اصولی و موضوع احکام را به قمی نسبت می‌دهند.^۱ نراقی بعضی از معاصرین خود را معتقد به اصالت حجیت ظن در زمان غیبت می‌داند که حتی فراتر از ظن مجتهد، ظن غیرمجتهد را هم حجت دانسته، تقلید از علما را بر آن مبتنی می‌کنند. اما وی اصالت عدم حجیت ظنون را اجماع شیعه و ضروری مذهب می‌داند و بعد از امامت، این مسئله را فارق شیعه و سنی اعلام می‌کند.^۲

به نظر می‌رسد بر اساس اصل عدم ازلی و پیش از فرض انسداد یا انفتاح، اصل بر عدم حجیت هر چیزی است که در حجیت آن تردید می‌باشد. از این رو، اصل عدم حجیت ظن با اصل عدم توجیه معرفت‌شناختی منطبق است. البته ظن، نوعی احتمال راجح است که اعتبار اولیه و متزلزلی دارد و نمی‌توان گفت بدون توجیه قابل پذیرش نیست. پس در صورت ناگزیری و انسداد باب علم و علمی، عمل به ظن مجاز خواهد شد^۳ و اصل ثانوی، حجیت ظن می‌شود؛ بنابراین نهی از قیاس، خلاف اصل است و مدعی خصوصیت حجیت اخبار به عنوان ظن خاص، باید دلیل بیاورد؛ در حالی که در فرض انفتاح، اصل بر عدم حجیت ظن باقی مانده و عمل به خبر واحد خلاف اصل است.

۲. تلازم انسداد‌گرایی و عقل‌گرایی در بستر تاریخی

مطابق سیر تاریخی عقل‌گرایی و نص‌گرایی در فقه شیعی، در قرون دوم و سوم هجری که عصر پیش از شیخ مفید و دوره فقهای پایه‌گذار اصول فقه، چون ابن جنید اسکافی و ابن ابی عقیل عمانی است، تمایل شدیدی به قیاس و استحسان و استفاده از عقل مشاهده می‌شود.^۴ در مقابل این مکتب، علمایی همچون شیخ صدوق جانب حدیث را گرفتند و سپس شیخ طوسی در میانه ایستاد. دوره بعدی رشد عقل‌گرایی مربوط به قرون هشتم تا دهم است که پس از عقل‌گرایی مکتب حله، محقق اردبیلی و اتباع وی، مانند صاحب معالم، سهم حدیث را کم دانستند و با خدشه در سند غالب احادیث، به نوعی متمایل به انسداد شدند. این فقها با قاعده‌سازی و توجه بیشتر به مباحث

۱. انصاری، مرتضی، *الحائسیه علی استصحاب القوانین*، پیشین، ص ۱۲۴.

۲. نراقی، احمد، *عوائد الایام*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷، صص ۳۵۵-۳۵۸.

۳. کلباسی، محمد، *رساله فی حجیه الظن*، ص ۱۴۰؛ وحیدبهبهانی، محمدباقر، پیشین، ص ۳۶.

۴. انصاری، مرتضی، *فرائد الاصول*، جلد ۱، پیشین، ص ۵۹۵.

رجالی، معتقدند حتی اخباری که می‌توان برای آنها نوعی اعتبار رجالی درست کرد، پاسخگوی نیاز ما نیستند و می‌بایست انسدادی شد؛ لذا احکام فقهی زیادی را مورد مناقشه قرار دادند.

در مقابل این عقل‌گرایی، موج شدید اخباری‌گری توسط ملازمین استرآبادی شکل گرفت که به دنبال حذف کاربرد عقل در حوزه فقه و ترجیح جانب حدیث بود. جریان اخباریان از اهل حدیث زمان صدوق تندتر بود؛ در حالی که مکتب اردبیلی از قدمایی چون ابن‌جنید معتدل‌تر بود. مکتب وحید بهبهانی هم‌زمان با عصر روشنگری و گسترش خردگرایی در غرب، در مقابل اخباریان بنا گردید و اخباریان این دوره، مانند بحرانی، فیض کاشانی، محمدتقی و محمدباقر مجلسی به سمت اعتدال حرکت کردند. بدین ترتیب، پس از اخباری‌گری که قائل به انفتاح باب علم بود، از زمان بهبهانی انسداد باب علم و علمی طرح می‌شود؛^۱ اگرچه پس از مدتی در زمان صاحب جواهر و شیخ انصاری تمایل به سمت انسداد باب علم و انفتاح باب علمی بیشتر می‌گردد و این رویکرد تا زمان حاضر امتداد می‌یابد.^۲ بهبهانی با پذیرش حجیت مطلق ظن، هر ظنی را که در فهم آیات و روایات مداخلیت دارد، حجت می‌داند^۳ و اولین فقیهی نامیده می‌شود که حجیت ظن مطلق را پایه‌گذاری کرد.^۴ تقابلی که میان اخباری‌گری و انسدادگرایی مشاهده می‌شود، از زمان وحید بهبهانی آغاز شد،^۵ در دوره میرزای قمی به اوج رسید و آثار آن در شیخ انصاری نیز قابل ردیابی است؛ چه آنکه در دوره انصاری، رسالات متعددی در قبول یا نفی حجیت مطلق ظن به عنوان مسئله‌ای چالشی نگاشته شده است.

۱. وحید بهبهانی، محمدباقر، پیشین، ص ۴۳۰.

۲. برای مخالفین ظن مطلق؛ ر.ک.: اصفهانی، محمدتقی، *هدایه/المستترشدین*، جلد ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا، ص ۳۳۰؛ مجاهد، سیدمحمد، پیشین، ص ۴۵۲.

۳. وحید بهبهانی، محمدباقر، *الفوائد الحائریه*، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵، ص ۱۳۹.

۴. اصفهانی، محمدباقر، *شرح هدایه/المستترشدین*، قم: عطر عترت، ۱۴۲۷، ص ۱۶۳.

۵. در اجازه سیدحسن صدر به آقا بزرگ تهرانی، از رساله سیدصدرالدین صدر در خصوص رد حجیت ظن مطلق، نقل می‌شود که وی در سال ۱۲۰۵ (سال وفات وحید بهبهانی) به کربلا رفته و آقا باقر بهبهانی، صاحب ریاض، سید مجاهد، میرزای قمی و سیدمحسن اعرجی را قائل به حجیت ظن مطلق یافته است. ر.ک.: مجله کتاب شیعه (دوفصلنامه مؤسسه کتابشناسی شیعه)، ۱۳۸۹، شماره ۱، ص ۴۲۷.

از نظر برخی، بهبهانی سه طبقه شاگرد دارد که همگی انسدادی و معتقد به حجیت مطلق ظن هستند:^۱ طبقه اول مانند بحرالعلوم، کاشف الغطاء،^۲ قمی، صاحب ریاض^۳ و نراقی؛ طبقه دوم مانند سیدمحمدجواد عاملی، سیدمحسن اعرجی کاظمی و شیخ اسدالله تستری؛ طبقه سوم مانند صاحب جواهر و کلباسی. شیخ انصاری که در طبقه چهارم محسوب می‌شود و وحید را درک نکرده، نیز مانند اکثر فقهای این طبقه عملاً انسدادی است.^۴ سید مجاهد،^۵ شریف‌العلماء و سیدعبدالحسین لاری^۶ هم از قائلین به انسداد هستند.

معمولاً اخباری‌ها شهید ثانی^۷ را متهم می‌کنند که بحث انسداد را مطرح و اجتهاد با اصول عقلی و عمل به دلیل ظنی را باب کرده است. این رویکرد حدود چهار قرن بر دیدگاه فقهای امامیه حاکم بود و بعد از اخباریان در دلیل انسداد، استحکام لازم را پیدا می‌کند. اگرچه این بحث در حال حاضر شاذ محسوب می‌شود، زمانی قول مشهور بوده است.^۸ رأی حاکم قبل از انصاری انسداد باب علم و علمی و حجیت مطلق ظن بود و قمی به عنوان یک انسدادی کامل و یک

۱. سند، محمد، «درس خارج اصول فقه»، ۱۴۴۱/۱/۲۲؛ سیستانی، سیدعلی، *مباحث الحجج*، تقریرات ربانی، سیدمحمدعلی، بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۳۷، ص ۲۹۷.
۲. برای مشاهده دلایل انسدادی بودن بحرالعلوم و کاشف الغطاء؛ ر.ک: ولایی، علی، «مبانی معرفت‌شناختی اندیشه شیخ انصاری و مسئله قاعده‌گذاری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۷۱.
۳. اصفهانی، محمدتقی، پیشین، ص ۳۳۰؛ انصاری، مرتضی، *فرائد الاصول*، جلد ۱، پیشین، ص ۳۸۲.
۴. سند محمد، «درس خارج اصول فقه»، ۱۴۴۰/۳/۳۰ و ۱۴۴۰/۸/۹. در این نوع نگاه، شهرت و اقوال علما و مطلق ظنون ناشی از تراش شرعی برای انسدادیان حجت است و همه کتب حدیث معتبر بوده و سند تنها در فرض تعارض اهمیت دارد.
۵. مجاهد، سیدمحمد، پیشین، صص ۴۷۸ و ۴۹۲.
۶. شریف‌العلماء، محمد مازندرانی، *صوابط الاصول*، تقریرات موسوی قزوینی، سیدابراهیم، قم: بی‌نا، ۱۳۷۱، ص ۲۷۹.
۷. لاری، سیدعبدالحسین، *التعلیقه علی فرائد الاصول*، جلد ۲، قم: اللجنة العلمیه للمؤتمر، ۱۴۱۸، ص ۱۴.
۸. محمد بن عبدالنبی النیسابوری، *نقته المصدر* (مخطوط)، ص ۱. این دیدگاه به صاحب معالم (کلباسی)، محمد، *رساله فی حجیه الظن*، ص ۱۴۰، شیخ بهایی، علامه حلی و شهید اول (اصفهانی، محمدتقی، پیشین، ص ۲۳۰) هم منتسب شده و حتی برخی شروع بحث انسداد را به زمان سیدمرتضی و شیخ طوسی برمی‌گردانند که تا زمان وحیدبهبهانی در ارتکاز فقها وجود داشته است. (سند، محمد، *سند الاصول*، جلد ۲، بیروت: الامیره، ۱۴۳۴، ص ۵۲۱).
۹. شبیری زنجانی، سیدموسی، *جرعه‌ای از دریا*، جلد ۳، ص ۲۶۷. علاوه بر ایشان، برخی از فقهای معاصر هم معتقد به انسداد هستند. ر.ک: روحانی، سیدمحمد، *منتقى الاصول*، تقریرات حکیم، سیدعبدالصاحب، جلد ۴، بی‌جا: مطبعه الهادی، ۱۴۱۶، ص ۳۳۰؛ اشرفی شاهرودی، مصطفی، «درس خارج فقه خمس»، ۱۳۹۳/۱۱/۲۶.

عرف‌گرایی نیرومند ظاهر می‌شود که ناامیدی از طریق علم و علمی را نشان می‌دهد^۱ اما انصاری تمام قدرت علمی خود را در بحث انسداد رسائل به کار گرفت؛ به طوری که هیچ فقیهی به اندازه وی به این بحث اهتمام نرورزیده است. او در راستای تصحیح فکر شاگردان وحید، به افتتاح باب علمی و حجیت ظنون خاص نزدیک شد و این دیدگاه با تلاش خراسانی و نائینی، به بدیهیات و مسلمات تبدیل گردید؛ تا جایی که مبحث انسداد دیگر در حوزه‌های علمیه تدریس نمی‌شود. این مکتب انسدادی محدود که تنها معتقد به انسداد باب علم بود، اصرار داشت از اصحاب حدیث فاصله زیادی نگیرد و به همین دلیل، اکثر اجتهادات رایج در میان فقها به اخباریان نزدیک، و از دریچه‌های معرفتی که مکتب وحید گشود، به دور است.

۳. نظریه انسداد در اصول فقه شیعی

مطابق یک تعریف، با توجه به وسعت علم اجمالی و محدوده امارات ظنی، انسداد باب علم و افتتاح باب علمی به انسداد صغیر و انسداد باب علم و علمی به انسداد کبیر تعبیر می‌شود.^۲ اما بر اساس تعریفی دیگر که مورد نظر این نوشته می‌باشد، انسداد کبیر مربوط به احکام و انسداد صغیر مربوط به موضوعات خاص مانند بحث‌های رجالی و کاربرد سایر علوم در فقه است. بنابراین تفکیک میان انسداد صغیر و کبیر، نظریه انسداد در اندیشه اصولی شیعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳.۱. انسداد کبیر و حجیت مطلق ظنون

اولین بار، انصاری مقدمات انسداد را به طور منظم صورت‌بندی کرد که اثبات حجیت ظن مطلق متوقف بر آن است:^۳

۱. علم اجمالی به وجود تکالیف فعلی بعد از پذیرش دین اسلام؛
۲. انسداد باب علم و علمی در عمده ابواب فقه در دوره متأخر از ائمه؛

۱. حتی حجیت مطلق ظن در فرض افتتاح باب علم نیز از کلمات وی قابل استنباط است (آشتیانی، محمدحسن، پیشین، ص ۲۲۸)؛ امری که در میان فقها دارای قائل بوده است. ر.ک: کلباسی، محمد، *رساله فی حجیه الظن*، ص ۲۴۷.

۲. خمینی، سیدروح‌الله، *انوار الهدایه*، جلد ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۳، ص ۳۱۷.

۳. خراسانی، محمدکاظم، *کفایه الاصول*، پیشین، ص ۳۱۱. البته برخی تنها به چهار مقدمه (انصاری، مرتضی، *فرائد الاصول*، جلد ۱، پیشین، ص ۲۸۴) و بعضی به سه مقدمه برای انسداد اکتفا می‌کنند (فیاض، اسحاق، *المباحث الاصولیه*، جلد ۸، قم: دارالهدی، ۱۴۳۰، ص ۴۸۴).

۳. عدم جواز اهمال تکالیف و عدم امتثال احکام واقعی بعد از علم اجمالی به ثبوت آنها؛

۴. عدم وجوب/جواز احتیاط، برائت و تقلید از مجتهد انفتاحی؛

۵. قبح ترجیح مرجوح بر راجح و ترجیح بالمرجح^۱.

علم و ظن خاص از نظر انسدادی محدود است و برای معظم احکام فقهی کفایت نمی‌کند. در نتیجه، مطلق ظن به عنوان بدل اضطراری ظن خاص پذیرفته می‌شود. انسداد باب علمی متوقف بر عدم حجیت ظواهر و اخبار آحاد است و حتی با توجه به ندرت دلالت قطعی در روایات، عدم حجیت ظاهر برای اثبات انسداد باب علمی کفایت می‌کند.^۲ همانند حجیت ذاتی قطع و لزوم امتثال علمی در زمان انفتاح، حجیت ظن نیز در فرض انسداد، ذاتی است و عقل به کفایت امتثال ظنی حکم می‌کند.^۳ در خصوص انسداد، رویکردهای گوناگونی چون کشفی/حکومتی و تعمیمی/تخصیصی وجود دارد. در مسلک کشف، پس از اثبات مقدمات انسداد، از جمله «عدم وجوب احتیاط»، حکم شارع درباره حجیت ظن مطلق کشف می‌شود. اما در مسلک حکومت با پذیرش «عدم جواز احتیاط»، عقل حاکم است و بر اساس قاعده ملازمه، به لزوم عمل مطابق ظن حکم می‌شود. انسداد کشفی تعبیر شرعی است و اقربیت به حجیت در آن مورد توجه است، ولی در انسداد حکومتی اقربیت به واقع مد نظر می‌باشد،^۴ اصل اطاعت و کیفیت آن به حکم عقل بوده و شارع مطابق آن دارای امر ارشادی است. بنابراین در انسداد کشفی نتیجه به نحو مهمله و دارای اجمال است و با اکتفا به قدر متیقن، محدود به ظنون خبری قوی در امور غیرمهمه به عنوان ظن خاص می‌شود؛ در حالی که در انسداد حکومتی، حکم عقل به نحو موجه کلیه است و هر نوع ظنی حجت خواهد بود. به دیگر سخن، بر مبنای انسداد کشفی حجیت ظن از نظر سبب (مانند خبر ثقه، شهرت و خواب)، مورد تفکیک ابواب مختلف فقه یا امور مهمه و غیرمهمه (و مرتبه (ظن قوی و غیرقوی) مجمل است، در حالی که نتیجه بر مبنای انسداد حکومتی، عام و کلی خواهد بود.^۵

۱. دلیل انسداد به صورت قیاس استثنایی مرکب از قضایای حملیه و شرطیه نیز صورت‌بندی شده که از رفع تالی، رفع مقدم نتیجه می‌شود (خمینی، سیدروح‌الله، *انوارالهدایه*، پیشین، صص ۳۴۵-۳۴۷).

۲. حسینی شاهرودی، محمود، *نتایج الافکار*، جلد ۳، ص ۳۰۱؛ فیاض، اسحاق، پیشین، ص ۴۸۷.

۳. انصاری، مرتضی، *فرائدالاصول*، جلد ۱، پیشین، صص ۴۳۲ و ۴۶۵.

۴. انصاری، مرتضی، پیشین، ص ۴۸۰.

۵. انصاری علی‌رغم پذیرش مبنای حکومت، به نتیجه مجمل در مرتبه معتقد است و میان ظن قوی که سکون نفس می‌آورد با غیر آن تفاوت می‌گذارد. (انصاری، مرتضی، پیشین، ص ۴۶۷). به لحاظ معرفت‌شناختی هم میان حکم و ←

شیخ انصاری برخلاف مشهور، حجیت ظن و همانندی آن با علم و ظن خاص را در نتیجه مقدمات انسداد ثابت نمی‌داند، بلکه تنها معتقد به عدم وجوب احتیاط در موارد ظن به عدم آن است. او در فرض انسداد حکومتی، نتیجه را عام و عمل به مطلق ظن را از باب احتیاط واجب می‌داند، اگرچه ظن اطمینانی را هم حجت می‌داند. در نتیجه، بنابر تبعیض در احتیاط برای دفع حرج، در صورت تعدد قطع و سپس عدم کفایت ظن اطمینانی در طریق یا حکم، ظن موافق احتیاط و نیز ظن مخالف احتیاط تا مقداری که به حکم عقل عسر را رفع کند، مورد عمل قرار می‌گیرد.^۱ البته او مورد اشکال قرار می‌گیرد که عمل به احتیاط در فرض انسداد، خلاف اجماع و حتی اعتراف وی در مقام بیان بطلان احتیاط از مقدمات انسداد است که مستلزم انسداد باب اجتهاد و تقلید خواهد بود.^۲ احکام شرعی نیز تنها مسائل عبادی نیست که در آن صرفاً از اسقاط وظیفه و تعیین احتیاط سخن گفته شود و به طور خاص احتیاط در احکام مربوط به امور اجتماعی در فرض انسداد، غیرممکن است.^۳

انتساب رویکرد انسداد به شیخ انصاری موافقان^۴ و مخالفانی^۵ دارد.^۶ انصاری مهم‌ترین یا شاید شاید تنها مقدمه انسداد را عدم کفایت خبر واحد در فقه می‌داند.^۷ از نظر او، خبر واحد در صورت اطمینان به صدور، حجت است، ولی در زمان ما در غایت ندرت می‌باشد.^۸ بعد زمانی، وسایط

→ سند می‌بایست تناسب برقرار باشد و دلیل قوی‌تری در امور مهم مطالبه شود؛ چنانکه بهیچانی معتقد است در امور مهمه مانند دماء، فروج، انساب و اموال، نمی‌توان صرفاً به ظن متکی بود. (مجاهد، سیدمحمد، پیشین، ص ۴۵۹).

۱. همان، صص ۴۲۲ و ۵۰۲-۵۲۵.

۲. لاری، سیدعبدالحسین، *التعلیقه علی فرائد الاصول*، جلد ۲، پیشین، صص ۹۴-۹۶.

۳. بروجردی، سیدحسین، پیشین، ص ۵۵۳؛ سیستانی، سیدعلی، *مباحث الحجج*، پیشین، ص ۳۱۳.

۴. شبیری زنجانی، سیدموسی، *کتاب نکاح*، جلد ۲، ص ۷۴۹۰؛ لاری، سیدعبدالحسین، پیشین، ص ۱۵؛ بروجردی، سیدحسین، پیشین، ص ۵۵۶؛ سیستانی، سیدعلی، پیشین، ص ۳۰۰. ر.ک.: انصاری، مرتضی،

صلوه المسافر، تقریرات رشتی، حبیب‌الله، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، رقم ۳۰۷۵۱.

۵. آشتیانی، محمدحسن، پیشین، ص ۱۹۰؛ شمس خراسانی، سیدحسین، *مشکاه الاصول*، جلد ۱، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷، ص ۴۳؛ گنجی، مهدی و محمد ابراهیمی، *کلام حول مبنی الشیخ الانصاری فی الانسداد*، نشریه تا اجتهاد، سال دوم، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، شماره ۵ و ۶ ص ۱۵.

۶. برخی تقسیم‌بندی انفتاحی و انسدادی را جامع ندانسته و با توجه به کمبودهای جدی در روایات، «مسلك اضطرار» یا اطمینان از طریق تجمیع قرائن را به شیخ انصاری نسبت داده‌اند (عندلیب همدانی، محمد، تبیینی از مسلك اضطرار در استنباط و اجرا (درس خارج اصول فقه)، ۱۳۹۹/۱/۲۱).

۷. انصاری، مرتضی، *فرائد الاصول*، جلد ۱، پیشین، صص ۳۸۴-۳۸۶. تقویت سایر مقدمات در کنار سکوت او درباره کفایت روایات معتبر اطمینانی، قرینه‌ای بر پذیرش مقدمه اول و اعتقاد وی به انسداد است.

۸. انصاری، مرتضی، پیشین، ص ۳۰۹.

متعدد، اشتباهات راوی، اغلاط و تصحیفات و اختلاف نسخ، نقل به معنا و تعارض روایات مانع شکل‌گیری اطمینان نسبت به روایات است و با کمبود ظنون خبری، ناگزیر باید به دنبال مطلق ظنون رفت تا با حصول اطمینان، بتواند علم اجمالی در مورد تکالیف را منحل کند.^۱

غالب فقهای معاصر با رویکرد انسدادی مخالف‌اند و آن را از اساس فاسد دانسته، هیچ فایده علمی و عملی برای آن متصور نیستند^۲ و معتقدند برای کسی که به آن می‌پردازد، باید استغفار کرد.^۳ آنهایی هم که به انسداد معتقدند، در فقه با قائلین به مسلک انفتاح تفاوتی ندارند؛ زیرا عمل به خبر واحد در انفتاح و انسداد صرفاً از دو طریق متفاوت صورت می‌گیرد و فقیه انسدادی هم ظن مطلق را محدود به روایات و ظن خبری می‌کند.^۴ حرکت شیخ در راستای تعدیل مدرسه وحید نیز حاکی از پیش‌فرض خبرگرایی، مخالفت با قیاس و استحسان و محدودیت ظن مطلق به اخبار است و همین مانع نمایش کامل کاربردهای انسداد و حتی دلیلی بر گرایش احتیاطی فقهای انسدادی می‌باشد.^۵

۳.۲. انسداد صغیر و حجیت ظن در موضوعات

حجیت ظن در موضوعات، قاعده‌ای اصطیادی است که با استقرا در کلمات فقها،^۶ انسداد صغیر و سهله و سمحه بودن شریعت می‌توان آن را تقویت کرد. ظن هنگام تعدد در موضوعات

۱. شبیری زنجانی، سیدموسی، *کتاب نکاح*، جلد ۴، ص ۱۱۶۰؛ «درس خارج فقه مضاربه»، ۱۳۹۵/۲/۲۹.
۲. نائینی، محمدحسین، *فوائد الاصول*، تقریرات کاظمی، محمدعلی، جلد ۳، پیشین، ص ۲۲۹؛ سبزواری، سیدعبدالاعلی، *تهذیب الاصول*، جلد ۲، ص ۱۲۴. در مقابل برخی آن را از امهات مسائل اصولی معرفی می‌کنند که ثمرات عظیم و فواید مهمی دارد (اصفهانی، محمدتقی، پیشین، ص ۳۲۹).
۳. خمینی، سیدروح‌الله، *انوار الهدایه*، پیشین، ص ۳۴۹.
۴. انصاری، مرتضی، *فوائد الاصول*، جلد ۱، پیشین، ص ۳۹۷. البته عبارت شیخ بر این دلالت دارد که اخبار صرفاً یکی از مناشی ظن است؛ لذا علاوه بر خبر واحد، به شهرت، اجماع منقول، استقرا و اولویت نیز اشاره شده است (همان، صص ۴۱۱ و ۴۹۱).
۵. اگرچه پیامد احتیاط در فرض انسداد، حرج و اختلال نظام است؛ (شیرازی، سیدمحمدحسن، پیشین، ص ۶۶) چه بسا با توجه به تجربه احتیاط میرزای شیرازی (حائری یزدی، عبدالکریم، *دررالفوائد*، جلد ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی‌تا، ص ۶۶) و اخباریان که موجب حرج و اختلال نظام نشد، (خویی، سیدابوالقاسم، *مصباح الاصول*، پیشین، ص ۲۲۶) در خصوص عدم امکان عمل به احتیاط به عنوان مقدمه انسداد خدشه شود و نتیجه مشابهی میان موافقین و مخالفین انسداد به وجود آید.
۶. برای مثال، ظن در باب قبله، سیادت برای خمس، عدد رکعات نماز، وقفیت، نسب، دخول ماه و اوقات شرعی، قیمت برای ارش در جنایات و قیم متلفات پذیرفته شده است.

احکام، قائم مقام علم می‌گردد؛ به عنوان نمونه، قاعده «الظن یُلحق الشئ بالاعمّ الاغلب» که مربوط به موضوعات می‌باشد، در کلام فقها مکرر به کار رفته است. اصل حرمت عمل به ظن مربوط به احکام است، ولی قاعده مذکور ناظر به موضوعات می‌باشد. ادله حرمت تعبد به ظن نیز مربوط به اعتقادات و حداکثر احکام است و دلیل ناهی از عمل به ظن در موضوعات وجود ندارد، مگر مواردی که شارع در آن بینه را معتبر دانسته است. مهم‌ترین دلیل حجیت ظن در موضوعات نیز بناء عقلا است که مورد ردع شارع نیست.^۱

شیخ انصاری مخالفت با حجیت ظن در موضوعات را به مشهور نسبت می‌دهد^۲ و به دلیل حرج و اختلال نظام، تنها حجیت ظن در احکام به عنوان نتیجه مقدمات انسداد پذیرفته می‌شود.^۳ بنابراین، انسداد مخصوص شبهات حکمیه است؛ زیرا در شبهات موضوعیه باب علم منفتح است و امارات شرعی مانند سوق و ید و بینه وجود دارد.^۴ در دیدگاه انصاری، ظن در موضوعات، زمانی حجت است که به حکم کلی مانند بحث رجالی ختم شود، اما ظن در موضوعات اگر به حکم جزئی مانند نذر منتهی شود یا در مقام تطبیق عمل خارجی با مصداق باشد، حجت نیست. پس ظن حکمی و ظن موضوعی مفهومی، حجت است، ولی ظن مصداقی حجت نیست؛ مگر در اموری چون احراز ضرر، عدالت، مرض، استطاعت، نسب و سیادت که احکام بسیاری بر آنها متوقف است و امکان حصول اطمینان وجود ندارد و اجرای اصل عدم نیز غالباً موجب مخالفت با واقع می‌شود.^۵ البته برخی مانند قمی حجیت ظن در احکام و موضوعات مانند الفاظ را پذیرفته، مشهور یا اجماعی می‌دانند.^۶ قاعده ید، سوق مسلمین و بینه نیز از باب غلبه و ایجاد ظن به موضوع تلقی شده که علم لازم نبوده و بحثی تعبدی هم نیست. استناد به غلبه، موجب عدم خصوصیت موارد مزبور می‌شود و می‌توان ظن اقوی را مقدم شمرد.

۱. فاضل لنگرانی، محمدجواد، نشست گفتمان معرفت، مشهد، ۱۳۹۸/۳/۹، قابل دسترس در: ijtihadnet.ir

۲. انصاری، مرتضی، *مطرح الانظار*، پیشین، ص ۲۸۵.

۳. انصاری، مرتضی، *فرائد الاصول*، جلد ۱، پیشین، ص ۳۷۱؛ میلانی، سیدهادی، *محاضرات فی الفقه الامامیه* (صلاه‌المسافر و قاعدتی الصحه و الید)، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۵، ص ۵۸.

۴. تبریزی، موسی، *اوثق الوسائل*، جلد ۱، قم: کتبی نجفی، ۱۳۶۹، ص ۴۳.

۵. انصاری، مرتضی، پیشین، صص ۵۳۸-۵۵۲؛ شبیری، زنجانی سیدموسی، «درس خارج فقه اعتکاف»، ۱۳۹۱/۲/۱۹.

۶. قمی، ابوالقاسم، *قوانین الاصول*، جلد ۲، قم: احیاء الکتب الاسلامیه، ۱۴۳۰، ص ۴۴۳.

پذیرش انسداد و حجیت مطلق ظنون در موضوعات، از جمله ظنون عقلی و عقلایی، موجب محدودیت دامنه تبعدهای فقهی و عرفی‌تر شدن نظام حقوقی، از جمله در حوزه قضاوت و ادله اثبات دعوا می‌شود و مانع اختلال در قضاوت و فصل خصومت خواهد بود؛ به عنوان نمونه، می‌توان از تسهیل احراز صلاحیت داوطلبان انتخابات با فرض وجود شرایط عدالت و امانت،^۱ اعتبار سند رسمی، عدم موضوعیت بی‌نه و شهود و تعداد خاص آن و اعتبار آزمایش DNA نام برد. همچنین ظن قوی به ملاک موجود در حکم عده نیز تحولاتی را ایجاد می‌کند؛ مثلاً در صورتی که زن رحم خویش را برداشته یا عقیم باشد، عده‌ای نخواهد داشت. به علاوه، عقود و معاملات مربوط به بانک و بیمه نیز غیرعقلایی نیست و نمی‌توان در صحت بعضی عقود غیرمعین در دوران معاصر تردیدی روا داشت. چنان‌که پذیرش جواز ربای تولیدی نیز با نظریه انسداد تسهیل می‌گردد. از طرف دیگر، ظن قوی به ملاک بازدارندگی در مجازات‌ها، مستلزم عدم خصوصیت نوع و میزان حدود خواهد بود و تقدیر ثابت دیه هم مورد خدشه قرار می‌گیرد. البته حجیت ظن در موضوعاتی مانند اثبات زنا برای اجرای حد یا مواردی از حقوق الناس محل تردید است و در صورت اعتقاد به جواز اجرای حدود، باید تأملاتی صورت گیرد تا شرایط اثبات آن دشوارتر باشد.

۴. انسدادگرایی و نظام حقوقی عرفی

فقه به اقتضای فاصله گرفتن از زمان تشریح و نیز ورود به عرصه سیاسی و اجتماعی، ناگزیر از تغییراتی خواهد بود تا با شرایط و مسائل دنیوی سازگار شود. تجدیدنظر در مبانی معرفتی فقه و عملیات استنباط از جمله سازوکارها برای این هم‌سازی است. به دیگر سخن، جایگزینی آگاهی و معرفت دینی و قدسی‌شده با معارف تجربی و عقلانی از عواملی است که به عرفی شدن در این حوزه کمک می‌کند.^۲ عبور مفاهیم دینی از نگاه قدسی به نگاه اجتماعی و عقلایی شدن امور هنجاری و اعتباری در حوزه قانون‌گذاری و قضاوت، از نخستین گام‌هایی است که به عرفی شدن

۱. شورای نگهبان مطابق مبانی فقهی خاص خود، احراز عدالت و امانت را برای داوطلبان انتخابات لازم می‌داند و از شیوه‌های سخت‌گیرانه برای احراز این شرایط استفاده می‌کند. اما بر فرض صحت این شرایط، حجیت مطلق ظنون در موضوعات، گشاینده شیوه‌های متساهل‌تری برای احراز می‌باشد.

۲. حجاریان، سعید، *از شاهد قدسی تا شاهد بازاری*، ص ۷۶.

نظام حقوقی در یک جامعه دین‌گرا منجر خواهد شد. فقه شیعه نیز بر اساس خوانشی خاص از برخی پیش‌فرض‌های معرفتی در باب حجیت ظن مطلق ظرفیت حرکت به سمت عرفی شدن را دارد. چنین مسئله‌ای ناظر به معرفت‌شناسی فقه می‌باشد و بحثی مبنایی‌تر از مفهوم رایج از اصطلاح «فقه سکولار» است که مطابق آن، شریعت برنامه‌جامعی برای اداره جامعه ارائه نکرده، دین از حکومت تفکیک می‌گردد؛ در نتیجه فقه منحصر به امور فردی و عبادی است و دخالتی در موضوعات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ندارد. در حالی که نظریه انسداد، باب عقل عرفی را به روی فقه می‌گشاید و جایگاه قدسی و فرازمینی احکام فقهی را مخدوش می‌سازد.

انسداد معرفتی و پدیدارشناسانه باب علم و علمی موجب ضرورت عمل‌گرایانه رجوع به ظن قوی‌تر عقلی یا لفظی، قطع نظر از منبع آن می‌شود.^۱ در این وضعیت، تمام ظنون اعم از لفظی و غیرلفظی، در عرض یکدیگر حجت خواهند بود و ظن اقوی مقدم می‌شود.^۲ دلیل انسداد با لحاظ بعضی قیود، قابلیت در اخلاقی ساختن شریعت و خوانش عدلیه‌محور از آن دارد؛ می‌تواند فقه را از جمود رهایی بخشد و در پرتو ظنون، بسیاری از مسائل و نیازها به کمک ادله عقلی و اخبار آحاد برآورده شود و فقه تأثیرپذیر و عقب‌مانده از جامعه به فقه تأثیرگذار و همگام جامعه تبدیل گردد. انسداد به معنای سدّ نوعی کشف از واقع، به عنوان رابط میان قوانین شرعی و عقلایی کاربرد دارد و با بهره‌گیری از سیره عقلای ظن عقلانی و تراکم ظنون در پی گفتمانی عرفی و عقلایی خواهد بود که شریعت کمتر در آن مداخله داشته باشد. از این رو، ارزیابی اعتبار ظنون عقلی و قابلیت انتساب به شارع در نظریه انسداد، برای عرفی‌سازی نظام حقوقی مستند به شریعت و حاکم بر جامعه دین‌گرا، ضروری خواهد بود.

پوشیده نیست که نظریه انسداد تنها در عرفی‌سازی حقوق تأثیرگذار نیست، بلکه این نظریه می‌تواند اساس علم شریعت را علاوه بر معاملات به معنای عام، در حوزه عبادات نیز دگرگون سازد؛ برای مثال، اگر کسی به ظن قوی به این نکته برسد که قصر عبادات در سفر به دلیل عسر بوده است، آیا نمی‌تواند در زمان ما به عدم وجوب قصر نظر دهد؟ همچنین در بحث رؤیت هلال نیز دستاوردهای علم نجوم ظن قوی‌تری را ایجاد خواهد کرد. لازم به ذکر است، با وجود این آثار

1. Bhojani Alireza, Moral Rationalism and Shari'a, p.151.

۲. شبیری زنجانی، سیدموسی، کتاب نکاح، جلد ۴، ص ۱۱۵۹.

در احکام عبادی، بحث این مقاله اختصاص به معاملات در معنای عام و تأثیرگذاری نظریه انسداد در نظام حقوقی ناشی از فقه دارد.

۴.۱. اعتبار ظنون عقلی در مسلک انسداد

خطاناپذیری معرفت و منابع معرفتی و محدودیت گزاره‌های عقل مستقل، از نقاط مشترک معرفتی اصولیان شیعه و سنی است. عقلانیت حوزوی ظنون عقلی را در ظن حاصل از قیاس فقهی (تمثیل منطقی) و استحسان خلاصه می‌کند و ظنون عقلی و تجربی را مصداق چهل و شک می‌داند. احکام عقلی قطعی نیز کلی بوده، در استنباط احکام شرعی کاربردی ندارد؛^۱ در نتیجه، تحدید اعتبار عقل به حصول یقین و رد ظنون عقلی، عملاً به تعطیلی عقل می‌انجامد. همچنین تأکید بر حجیت ظاهر الفاظ، مادامی که قرینه‌ای قطعی بر خلاف آن نباشد، موجب می‌شود علوم تجربی که ظنی است، هیچ کاربردی در فهم متون دینی نداشته باشد. در حالی که به اعتقاد معرفت‌شناسان، قطع مستند به دلیل مناسب و کشف یقینی شاید تنها در حوزه منطقی و ریاضیات یافت شود و سایر حوزه‌های معرفتی به نحو یقینی در دسترس عقل بشر نیست. پس با تمرکز بر قوت دلیل، تبعیض معرفت‌شناسانه میان دلایل نقلی و عقلی که از دو منبع معرفتی متفاوت حاصل شده، ناموجه است. سیره عقلا به عنوان مهم‌ترین دلیل حجیت ظنون نقلی نیز حکم مطلق به تقدم ظنون نقلی بر ظنون عقلی نمی‌دهد. همچنین نمی‌توان میان احکام شریعت که با ظن قابل استنباط است و اهداف و مقاصد شریعت تمایز قائل شد و یقین را برای کشف مقاصد لازم دانست.

یکی از مهم‌ترین انواع ظنون نامعتبر، ظنون عقلی یا قیاسی است. تمام گروه‌های مخالف قیاس - از قبیل ظاهری‌ها، اهل حدیث، بخشی از معتزله، اکثر خوارج و اکثر شیعیان - در مبانی معرفت‌شناسی با یکدیگر شباهت دارند.^۲ اساس فقه بر تعدی به غیرمنصوص استوار است که در اصول شیعه، نزدیک‌ترین مفهوم به قیاس محسوب می‌شود و در کارآمدی فقه تأثیرگذار است. وحید بهبهانی این مفهوم را وارد اصول کرد و با تفکیک میان تعدی واجب و حرام، صرفاً قیاس

۱. عقل را به عنوان منبع بالقوه احکام شرعی معرفی می‌کنند که هیچ‌گاه بالفعل نمی‌شود. رک: صدر، سیدمحمدباقر، *الفتاوی الواضحه*، مقدمه.

2. Zysow Aron, *The Economy of Certainty: An Introduction to the Typology of Islamic Legal Theory*, p.168.

فقهی قطعی، مانند اولویت یا تنقیح مناط قطعی را به دلیل حجیت قطع، معتبر دانست.^۱ پس قیاس فی نفسه ایرادی ندارد و صرفاً به دلیل ظنی بودن حجت نیست. حال با فرض حجیت ظن مطلق و انسداد باب علم و علمی، می‌توان به مسائل جدید جامعه پاسخ گفت و همانند قمی،^۲ به اعتبار ظن حاصل از قیاس و استحسان و مصالح مرسله قائل شد که غالباً قوی‌تر از ظن حاصل از اخبار آحاد است.

باری، مطابق اصل حجیت ظن یا اصل عدم حجیت ظن به همراه انسداد، ظنون قیاسی دارای حجیت اولیه‌اند و اخبار نهی موهن آن است،^۳ ولی در این حالت، مانع باید قطعی باشد تا موجب زوال حجیت قیاس شود. به همین دلیل بیان می‌شود که دلایل قطعی برای عدم اعتبار بعضی ظنون مانند قیاس وجود دارد. اما نهی از ظنون خاص در مقابل حکم عقل به وجوب عمل به ظن در فرض انسداد، مانند امر به ظنون خاص در مقابل حکم عقل به حرمت عمل به ظن در فرض انفتاح است. در نتیجه، اگر نهی شارع از قیاس به دلیل مفسده ذاتی باشد که غالب بر مفسده فوت واقع است، به دلیل وجود مقتضی عمل به ظنون، احتمال مفسده ذاتی مانع قطعی برای عمل به سایر ظنون نخواهد بود و چنان‌که احتمال مصلحت در فرض انفتاح کافی نیست، احتمال مفسده هم در فرض انسداد کفایت نمی‌کند.

برخی حرمت عمل به قیاس را که به مسئله‌ای ضروری تبدیل گشته، مخصوص عصر حضور معصوم و منصرف از وضعیت انسداد می‌دانند^۴ و در نتیجه تعمیم آن به هر زمانی قابل قبول نخواهد بود. در این رویکرد، روایات نهی از قیاس، در فرض دسترسی به معصوم و در مقابل اهل سنت و به دلیل عدم مطابقت با واقع و نابود کردن سنت و به طور خاص، در مورد اصول اعتقادی بیان شده است و دلالتی بر حرمت عمل به قیاس کاشف از صدور حکم توسط معصومین ندارد.^۵ لذا عصر غیبت تداعی‌کننده وضعیت تازه مسلمان دورافتاده از بلاد اسلامی است و همین موجب حجیت قیاس می‌شود.

۱. وحیدپهلهانی، محمدباقر، *الفوائد الحائریه*، پیشین، ص ۲۸۹.

۲. انصاری، مرتضی، پیشین، ص ۵۱۷. سیستانی، سیدعلی، *مباحث الحجج*، پیشین، ص ۳۶۰. ر.ک.: حائری یزدی، مهدی، *جستارهای فلسفی*، تهران: مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۴، ص ۳۲۴.

۳. انصاری، مرتضی، *فرائد الاصول*، جلد ۱، پیشین، صص ۵۲۱ و ۵۲۲.

۴. اصفهانی، محمدتقی، پیشین، ص ۳۳۴.

۵. قمی، ابوالقاسم، *قوانین الاصول*، جلد ۲، پیشین، ص ۴۴۱.

انصاری نقش روایات نهی از قیاس را تنبیه عقل می‌داند و به دلیل آن که قیاس در علم شارع غالباً مخالف واقع است، از موارد مطابقت با واقع هم اغماض می‌گردد تا در اکثر موارد مکلفین دچار مفسده تخلف از واقع نشوند.^۱ توجیه خروج قیاس از حجیت ظن بر مبنای انسداد حکومتی که در آن اقریبیت به واقع مد نظر است و ظن از نظر حکم و کشف از واقع مانند علم دانسته می‌شود، دشوار است.^۲ در میان فقها، مشهور است که تخصیص احکام عقلی به تناقض ختم می‌شود؛ بنابراین تنها از راه تخصص می‌توان موضوع حکم عقل را متفاوت با مطلق ظنون دانست. لذا در فرض انسداد و به دلیل حفظ احکام الهی، عقل به حجیت ظنونی حکم می‌کند که دلیلی بر بی‌اعتباری و عدم حجیتش اقامه نشده باشد^۳ و شارع بنا به اغراضی مانند مفسده سلوکیه،^۴ به بی‌اعتباری ظن خاصی مانند قیاس حکم نکرده باشد. در فرض انسداد که وظیفه امتثال ظنی داریم تا ظن به برائت ذمه حاصل شود، قطع به عدم برائت به وسیله قیاس، مانع حصول ظن به برائت است.^۵

به غیر از قیاس که دلیل قطعی بر عدم اعتبارش وجود دارد، در مورد برخی ظنون مانند اولویت، استقرا و شهرت، دلیلی بر اعتبار وجود ندارد یا دلیل ظنی بر عدم اعتبار موجود است. در نتیجه، مقدمات انسداد می‌تواند این ظنون را از تحت اصل اولی عدم حجیت خارج کند.^۶ از طرف دیگر، ممکن است فقها علی‌رغم اتفاق نظر بر عدم حجیت قیاس، از قیاس مفید ظن به عنوان مؤید و نه دلیل استفاده کنند.^۷ چنان که برخی از علما، مانند کلباسی، حجیت ظواهر را بنا بر ظن نوعی و مشروط به عدم مخالفت با ظن غیرمعتبر می‌پذیرند و به «ابطال‌پذیری از طریق مطلق ظنون و اثبات‌پذیری از طریق ظنون خاص» ملتزم می‌شوند.^۸ اما سایرین با تأسیس اصلی،

۱. انصاری، مرتضی، پیشین، صص ۵۲۸-۵۳۰.

۲. همان، ص ۵۱۶.

۳. نائینی، محمدحسین، *فوائد الاصول*، تقریرات کاظمی، محمدعلی، جلد ۲، پیشین، ص ۳۲۰.

۴. حتی در صورتی که ظن قیاسی مطابق واقع درآید، با توجه به نهی شارع، مصلحتی بالاتر در عدم سلوک آن وجود دارد که تفویت مصلحت واقع را جبران خواهد کرد. (انصاری، مرتضی، *فوائد الاصول*، جلد ۱، پیشین، صص ۳۷۳-۳۷۶).

۵. اصفهانی، محمدتقی، پیشین، ص ۳۹۵.

۶. انصاری، مرتضی، پیشین، ص ۴۸۷.

۷. وحیدبهبهانی، محمدباقر، *الفوائد الحائریه*، پیشین، ص ۴۵۲.

۸. انصاری، مرتضی، پیشین، صص ۱۷۰ و ۵۹۱.

معتقدند ظن غیرمعتبر که حجت نیست، دارای آثار دیگری مانند جبران، وهن و ترجیح هم نخواهد بود؛ مضمون قیاس در حکم شک و حتی وهم است و چنان که ضعیف را قوی نمی‌کند، قوی را هم نمی‌تواند ضعیف کند.^۱

انصاری میان امور شرعی مانند خبر واحد و امور عرفی/عقلایی مانند ظواهر تفکیک می‌کند و معتقد است در اولی جعل و رفع به دست شارع است و می‌تواند قادحیت را برای قیاس جعل نکند و از آن سلب کند، اما در دومی جعل و رفع به دست شارع نیست و قیاس خودبه‌خود قادح ظهور و سایر ظنون عقلایی خواهد بود. اگر رویکرد عقلایی و اطمینانی برای پذیرش خبر واحد اتخاذ شود، قیاس حداقل برای دلالت و ظهور خبر قادح خواهد بود. به عبارت دیگر، اگر دلیل عقلی باشد و خبر موثوق‌الصدور حجت باشد، قیاس موجب وهن می‌شود؛ زیرا رفع ظن از امور مجعول و آثار شرعی نیست و به طور خودبه‌خود صورت می‌گیرد. اما اگر دلیل شرعی باشد و اشتراط ظن در خبر توسط شارع صورت گرفته باشد، شارع خود می‌تواند قیاس را کالعدم فرض کند.^۲ پس ظن ناشی از قیاس که بر خلاف ظهور اماره باشد و موجب وهن آن شود، عمل به قیاس نیست؛ بلکه در این مورد تکویناً ظهور شکل نمی‌گیرد و این امر قهری و خارج از اختیار مکلف، قابل منع شرعی نیست.^۳

۴.۲. انتساب به شارع در مسلک انسداد

حجیت شرعی از نظر شیخ انصاری دارای دو اثر است: صحت اسناد به شارع و صحت استناد در مقام عمل.^۴ وقتی برای حکم، دلیلی شرعی وجود داشت و در مقام عمل بدان استناد شد، اسناد آن به شارع هم صحیح خواهد بود، اما به مجرد حصول ظن و بدون وجود اعتبار شرعی، استناد و اسناد صحیح نخواهد بود. بر همین اساس، در صورتی که کلام خداوند دارای چند حیثیت باشد و در قابلیت استدلال به آیه برای حکمی فقهی تردید شود، بیان فقهی آیه قابل اسناد به شارع

۱. همان، صص ۵۸۵-۵۹۲.

۲. همان، ص ۵۹۲.

۳. آشتیانی، محمدحسن، *بحر الفوائد*، جلد ۴، پیشین، ص ۱۶۶.

۴. خویی، سیدابوالقاسم، *غایه المأمول*، تقریرات جواهری، محمدتقی، جلد ۲، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۸، ص ۱۰۵.

نخواهد بود.^۱ از نظر آخوند خراسانی، حجیت به معنای ترتب آثار یا معذرت و منجزیت است که متوقف بر علم و وصول می‌باشد، ولی اسناد به شارع از آثار حجیت نیست. در نتیجه تکلیف به واقع بماهو واقع وجود ندارد، بلکه تکلیف به واقع واصل از طریق امارات ظنی خاص خواهد بود. او معتقد است جاعل حجیت برای ظن می‌تواند عقل (مطابق انسداد حکومتی) یا شرع (مطابق انفتاح علمی یا انسداد کشفی) باشد. بر مبنای انسداد حکومتی، عقل به حجیت ظن مطلق حکم می‌کند، اما اسناد به شارع ممکن نیست، در حالی که در مبنای کشف، قابلیت اسناد به شارع وجود دارد. فقهایی چون انصاری نیز عمل به ظنون در نتیجه انسداد را از باب تبعیض در احتیاط می‌دانند؛ پس این گروه که حجیت ظنون را در فرض انسداد منکر هستند، نیز اسناد به شارع را نمی‌پذیرند.

حاصل آنکه ظن انسدادی بر مبنای حکومت حجت است، وظیفه عملی عقلی را تعیین می‌کند و عقل نیز به معذور بودن مکلف حکم می‌نماید؛ اما معرفت به حکم شرعی با علم وجدانی یا علم جعلی تعبّدی یا تعیین وظیفه عملی شرعی صورت نمی‌گیرد. لذا استکشاف حکم شرعی تحقق نیافته و تعبّد به آن نیز جایز نیست.^۲ بنابراین، قابلیت انتساب به شارع وجود ندارد و نه تنها فهم انسان همان حکم خدا نیست، بلکه برداشت آنها از حکم خدا هم نیست و با پذیرش احتیاط، این فهم صرفاً بیانگر برداشتی از تکلیف یا وظیفه در برابر خداوند است. همان‌طور که اخباریان و اصولیان از ایراد تشریح و بدعت بهره زیادی می‌برند، می‌توان در مقابل بیان داشت که تقریباً هیچ حکمی قابل انتساب به شارع نیست و عمل به احکام ظنی از باب تدبیر، تشریح محسوب می‌شود؛ در نتیجه هر موضوعی را تنها به میزان ارزش معرفتی می‌توان به دین نسبت داد و به همین دلیل، صرفاً استنباط تکلیف صحیح خواهد بود. از این رو، می‌توان به «حرمت تعبّد به ظن در عین وجوب عمل به ظن» ملتزم شد، اما باید توجه داشت که با دغدغه وصول به واقع به ورطه احتیاط نیفتاد.

۱. خویی، سیدابوالقاسم، *مصباح الاصول*، جلد ۲، پیشین، ص ۱۱۱؛ فاضل لنکرانی، محمدجواد، «درس خارج اصول فقه»، ۱۳۸۶/۱۰/۱۱.

۲. خویی، سیدابوالقاسم، *محاضرات فی اصول الفقه*، تقریرات فیاض، اسحاق، جلد ۱، قم: دارالهادی، ۱۴۱۷، ص ۱۰؛ شهیدی پور، محمدتقی، «درس خارج اصول فقه»، ۱۳۹۸/۸/۱۱.

نتیجه‌گیری

معرفت‌شناسی اصولی شیعه مبتنی بر نظریه مبنای‌گرایی معرفتی است و بر حجیت ذاتی قطع و وابستگی اعتبار ظن به آن استقرار یافته است. در طول تاریخ اندیشه شیعی نیز اصل عدم حجیت ظن نظریه مشهور و غالب بوده و به نحو استثنایی، برخی ظنون می‌توانستند از ذیل این اصل اولی خارج شوند. تعیین عدم حجیت به عنوان نقطه عزیمت معرفتی، موجب ناکارآمدی، عدم انسجام و فقدان نظام‌مندی در احکام فقهی می‌گردد. اما زمانی که نظریه انسداد با وحید بهبهانی مطرح شد، اصل ثانوی حجیت ظن قوت گرفت. مبحث انسداد با فرض وجود احکامی واقعی و نفس‌الامری در لوح محفوظ، دسترسی به آن را مورد خدشه قرار می‌دهد. رویکرد انسدادگرایی که مقدمات آن توسط فقیهان مطرح شده و در دوره‌ای دیدگاه مشهور نیز بوده است، می‌تواند در رفع مشکلات فوق مؤثر باشد. البته در نهایت نیز به لحاظ تاریخی، انسدادگرایی در تقابل با اخباری‌گری مهجور واقع شد.

نظریه انسداد با قابلیت اعتبار بخشیدن به ظنون عقلی و عقلایی و نیز خدشه در انتساب نتایج به شارع، ظرفیت عرفی‌سازی نظام حقوقی در یک جامعه دین‌گرا را دارد و با دگرگونی در مبانی و رویکرد اجتهادی، تغییراتی در حوزه قانون‌گذاری و قضاوت رقم خواهد زد. اگرچه در اندیشه معرفتی شیعه، مسلک انسداد باب علم و علمی یا حجیت مطلق ظنون در احکام و موضوعات، قابلیت تشکیل نظام حقوقی عرفی، عقلایی و کارآمد را دارد، اما نیازمند ضوابطی معرفت‌شناسانه است تا هر نوع ظنی با هر مرتبه، از هر سبب و در هر موردی حجیت نیابد. بر اساس رویکرد تعمیم، هر ظنی از هر سبب، در هر مورد، در هر مرتبه، مربوط به طریق یا حکم، با واسطه یا بی‌واسطه (حکمی یا موضوعی)، درباره حکم واقعی یا حکم ظاهری حجت خواهد بود. همچنین، بنابر دیدگاه مشهور در معرفت‌شناسی اصولی، حکم عقلی معتبر به موارد قطعی محدود شده است؛ اما مطابق برخی رویکردها و خوانش‌ها از نظریه انسداد، ظنون عقلی قیاسی و غیرقیاسی به عنوان دلیل، موهین، جابر یا مؤید کاربرد می‌یابد. علاوه بر اعتبار ظنون عقلی، انتساب احکام استنباط‌شده به شارع نیز در مسلک انسداد قابل پذیرش نیست. از این رو، انسدادگرایی چنان‌که در سیر تاریخی اندیشه معرفتی شیعه با عقل‌گرایی ملازمه داشته است، در عرفی‌سازی نظام حقوقی حاکم بر جامعه دین‌گرا نیز کاربرد خواهد داشت و با گسترش دایره ظنون و اعطای اعتبار به علوم تجربی طبیعی و انسانی، از معضلات مربوط به ناکارآمدی فقه خواهد کاست.

با اتخاذ مبانی معرفتی متفاوت، تقدس‌زدایی و عرفی‌سازی در فهم دین و شریعت صورت می‌گیرد و نگاه‌ها از آسمان به زمین منتقل می‌شود. بدین ترتیب می‌توان شاهد تغییراتی در استنباط احکام بود که در سازگاری فتاوای فقهی با حقوق مدرن و حقوق بشر معاصر و نیز عرفی شدن نظام حقوقی در قانون‌گذاری و قضاوت نقش مؤثری ایفا خواهد کرد و جایگاه عقلانیت خودبنیاد در فرایند استنباط احکام را گسترش خواهد داد. در نتیجه، دانش فقه نمی‌تواند از موضعی فرازمینی جایگاه دانش حقوق را اشغال نماید و چالش‌های موجود را با تعبّد به عالم قدسی ارتباط دهد. در نهایت لازم به ذکر است که در این نوشتار به گزارش بحث اصولی نظریه انسداد و ثمرات آن پرداخته شد و مجال چندانی برای اشاره تفصیلی به احکام فقهی مبتنی بر آن فراهم نشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. حائری یزدی، مهدی، *جستارهای فلسفی*، به اهتمام عبدالله نصری، تهران: مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۴.
۲. شاه منصور، عباس، *معرفت‌شناسی در آثار میرزا مهدی اصفهانی*، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۸.
۳. فنایی، ابوالقاسم، *اخلاق دین‌شناسی*، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۶.

مقاله

۴. نیکویی، مجید و حسین سیمایی صراف، *نقدی بر کاشفیت ذاتی قطع از واقع در پرتو معرفت‌شناسی جدید*، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال یازدهم، ۱۳۹۸، شماره ۲، صص ۳۷۳-۴۰۲.

ب) منابع عربی

کتاب

۵. استرآبادی، محمدامین، *الفوائد المدنیة*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۴.
۶. آشتیانی، محمدحسن، *بحر الفوائد*، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۹.
۷. اصفهانی، محمدباقر بن محمدتقی، *شرح هدایه المسترشدين*، قم: عطر عترة، ۱۴۲۷.
۸. اصفهانی، محمدتقی، *هدایه المسترشدين*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی‌تا.
۹. اصفهانی، محمدحسین، *نهایه الدرايه فی شرح الکفایه*، قم: انتشارات سیدالشهدا، ۱۳۷۵.
۱۰. اصفهانی، مهدی، *معارف القرآن*، قم: مؤسسه معارف اهل بیت (ع)، ۱۳۹۶.
۱۱. انصاری، مرتضی، *الحاشیه علی استصحاب القوانین*، قم: مطبعه باقری، ۱۴۱۵.
۱۲. _____، *فرائد الاصول*، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۳۷.

۱۳. _____، **مطرح‌الانظار**، تقریرات نوری تهرانی، ابوالقاسم، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۳۸۳.
۱۴. بروجردی، سیدحسین، **نهایه‌الاصول**، تقریرات منتظری، حسینعلی، قم: نشر تفکر، ۱۴۱۵.
۱۵. تبریزی، موسی، **اوثق‌الوسائل**، قم: کتبی نجفی، ۱۳۶۹.
۱۶. حائری یزدی، عبدالکریم، **دررالفوائد**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی‌تا.
۱۷. خراسانی، محمدکاظم، **دررالفوائد**، تهران: مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰.
۱۸. _____، **کفایه‌الاصول**، قم: آل‌الیت، ۱۴۰۹.
۱۹. خمینی، سیدروح‌الله، **انوارالهدایه**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۳.
۲۰. _____، **تنقیح‌الاصول**، تقریرات اشتهاردی، حسین، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸.
۲۱. _____، **تهذیب‌الاصول**، تقریرات سبحانی، جعفر، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۳.
۲۲. خویی، سیدابوالقاسم، **غایه‌المأمول**، تقریرات جواهری، محمدتقی، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۸.
۲۳. _____، **محاضرات فی‌الاصول**، تقریرات فیاض، اسحاق، قم: دارالهادی، ۱۴۱۷.
۲۴. _____، **مصباح‌الاصول**، تقریرات بهسودی، سیدمحمدسرور، قم: مکتبه الداوری، ۱۴۱۷.
۲۵. روحانی، سیدمحمد، **منتقى‌الاصول**، تقریرات حکیم، سیدعبدالصاحب، بی‌جا: مطبعه الهادی، ۱۴۱۶.
۲۶. سند، محمد، **سند‌الاصول**، بیروت: الامیره، ۱۴۳۴.
۲۷. سیستانی، سیدعلی، **الرافد فی علم‌الاصول**، تقریرات خباز، منیر، قم: لیتوگرافی حمید، ۱۴۳۷.
۲۸. _____، **مباحث‌الحجج**، تقریرات ربانی، سیدمحمدعلی، بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۳۷.

۲۹. شریف العلماء، محمد مازندرانی، *صوابط الاصول*، تقریرات موسوی قزوینی، سیدابراهیم، قم: بی‌نا، ۱۳۷۱.
۳۰. شمس خراسانی، سیدحسین، *مشکاه الاصول*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۳۱. شیرازی، سیدمحمدحسن، *ذخیره فی دلیل الانسداد*، تقریرات خراسانی، محمدکاظم، سامراء: مرکز تراث سامراء، ۱۴۴۱.
۳۲. صدر، سیدمحمدباقر، *مباحث الاصول*، تقریرات حائری، سیدکاظم، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۸.
۳۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *حاشیه الکفایه*، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، بی‌تا.
۳۴. طباطبایی مجاهد، سیدمحمد، *مفاتیح الاصول*، قم: آل‌البيت، ۱۲۹۶.
۳۵. عاملی، حسن بن زین‌الدین، *معالم‌الدین*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی‌تا.
۳۶. عراقی، ضیاء‌الدین، *مقالات الاصول*، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۰.
۳۷. فیاض، اسحاق، *المباحث الاصولیه*، قم: دارالهدی، ۱۴۳۰.
۳۸. قمی، ابوالقاسم، *جامع الشتات*، تهران: کیهان، ۱۳۷۱.
۳۹. _____، *القوانین*، قم: احیاء الکتب الاسلامیه، ۱۴۳۰.
۴۰. لاری شیرازی، سیدعبدالحسین، *التعلیقہ علی فرائد الاصول*، قم: اللجنه العلمیه للمؤتمر، ۱۴۱۸.
۴۱. میلانی، سیدهادی، *محاضرات فی الفقه الامامیه* (صلاه المسافر، قاعدتی الصحه والید)، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۵.
۴۲. نائینی، محمدحسین، *فوائد الاصول*، تقریرات کاظمی، محمدعلی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴.
۴۳. نراقی، احمد، *عوائد الایام*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷.
۴۴. وحیدبهبهانی، محمدباقر، *الرسائل الاصولیه*، قم: مؤسسه علامه المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۱۶.
۴۵. _____، *الفوائد الحائریه*، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵.

ج) منابع انگلیسی

Books

46. Bhojani A., *Moral Rationalism and Shari'a*, London, Routledge, 2015.
47. Gleave R., *Inevitable Doubt: Two Theories of Shi'i Jurisprudence*, Leiden, Brill, 2000.
48. _____, *Scripturalist Islam; the History and Doctrines of the Akhbari Shi'i School*, Leiden, Brill, 2007.
49. Zysow A., *The Economy of Certainty: An Introduction to the Typology of Islamic Legal Theory*, Georgia, Lockwood Press, 2013.

Article

50. Bata H., "Reassessing the Pivotal Role of Certainty in Modern Shi'i Usuli Legal Method: A Case for Accepting a Wider Range of Evidence in the Inference of Shari'a Precepts", in *Visions of Shari'a; Contemporary Discussions in Shi'i Legal Theory*, Brill, 2020, pp.26-56.